لزوم بررسی اولین کتاب انعکاس دهنده اجماع سید در نسخه مصحف ناصریات

(40:45)

تا جایی که ممکن بود دیدم. اگر یادتان باشد از معتبر هم خواندم. نسخه ی ناصریاتی که در دست صاحب معتبر بوده، غیر نسخه‌ای است که مختلف با آن نوشته شده. ولذا حرفی نزده اند. پی جویی کردم تا ببینم اولین شخص چه کسی بوده، ظاهراً سر نرساندم. شما هم نظر شریفتان باشد. در کتب قبل از مختلف چه کسی اول گفته سید مرتضی قائل به رویت قبل از زوال است؟ محقق که در معتبر اصلاً به سید نسبت نمی‌دهند. پس اولین کسی که نسبت داده‌اند مختلف است و همینطور در کتابهای بعد از ایشان میخش کوبیده شده بود؛ تا ببینیم همینطور به ترتیب کدام کتابها بوده؟ شروع شرایع را دیدم، چیزی نبود که به سید نسبت بدهند. مسالک را هم دیدم. اما در مثل ذخیر محقق خراسانی هست. حال باید کتابهایی که از مختلف تأثیر گرفته‌اند، چه کتابهایی است؟

بعد هم استدلال شیخ را جواب میدهند. یعنی شیخی که خودشان ادعای اجماع داشته‌اند، ایشان فقط به استدلال شیخ اکتفاء میکند. «احتج الشيخ بالأخبار الدالّة على اعتبار الشهود»؛ در مورد اجماع میگویند: سید اجماع داشت، شیخ که اجماع ندارد. ظاهر کلامشان به این صورت است. اینها مطالب مهمی است. حتماً مراجعه کنید تا دنباله کلام سید بحر العلوم را بخوانیم. تمام مطالبشان مربوط به اینها میشود که در آخر کار خواندم. یعنی «احتجّ‌العلامه» را باید با مجموع همه عرائض من در نظر بگیری تا ببینیم به کجا میرسیم.

شاگرد: اینکه همه به نسخه تصحیف شده اعتماد کرده باشند، بعید نیست؟

استاد: بعید است. با آب و تاب عرض کردم که این بعید است اما مطلبی که گفتم این بود که چه کنم که من طلبه غیر از این احتمال ندارم. محضر آقایان هم عرض کردم که فکر کنید که احتمال دیگری هم هست که در اینجا چه شده؟

شاگرد: «ماضیه» و «قابله» در کتابت شبیه هم هستند ولی باز بُعدش زیاد است.

استاد: ما قرینه منفصله از خلاف آوردیم. چون عرض کردم خلاف شیخ و خلاف سید میتواند تلخیص باشند. و در خلاف «قابله» هست، لذا به ذهن خیلی نزدیک میکند که آن نسخه هم «قابله» بوده.

شاگرد۲: تذکره را نگاه کردم و دیدم «قال فی الناصریات» نمی‌گوید ولی در متنه می‌گوید. ظاهرا در متنه یک نسخه ای در دستشان هست.

استاد: کجای متنه‌ی است؟

شاگرد۲: در بخش صوم نبود. در جاهای دیگر دیدم.

استاد: احتمال دارد که نسخه اصلی بعداً آمده بود و وقتی متنه‌ی را می‌نوشتند هنوز نبوده. این هم که برگردند و متنه‌ی را تصحیح کنند نشده. تذکره و متنه‌ی هیچ‌کدام تغییری ندادهاند و تنها در مختلف است؛ لذا می‌گوید «و برجوع العلامه فی المختلف علیه‌السلام نقله فی التذکره».

شاگرد: ظاهراً مختلف قبل از تذکره نوشته شده.

استاد: نه. با این شرائطی که ما جلو رفتیم نه.

شاگرد: در صفحه پانزده‌م پاورقی شماره چهارم از غایة المرام نقل می‌کند.

استاد: «لایخفی ان العلامه الّف التذکره بعد المختلف». ان شاءالله نگاه می‌کنم. بعداً به این تألیفات، ارجاعاتی اضافه می‌شود. اگر نسخه‌های خطی را ببینید، می‌بینید کنارش نوشته ذکرناه در فلان کتاب، وحال اینکه این را قبلش نوشته بوده. لذا می‌توانند بعداً که مختلف را نوشته اند در حاشیه تذکره یک جایی بنویسند که ما این را در مختلف هم گفته ایم. باید محتوا بررسی تاریخی شود. نه صرف اینکه در کتاب بگوید «ذکرناه» در فلان کتاب.

بازبینی #2
ایجاد شده 5 فوریه 2026 16:07:23 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 16:10:45 توسط ... .